

صفتی که از او مفاسد بسیار زاییده شود!

(در بیان تکبر) بدان که این صفت زشت ناهنجار هم فی نفسه دارای مفاسد است و هم از او مفاسد بسیار زاییده شود. این رذیله انسان را از کمالات ظاهری و باطنی و از حظوظ دنیوی و اخروی باز دارد، و تولید بغض و عداوت کند و انسان را از چشم خلائق بیندازد و پست و ناچیز کند، و مردم را وادار کند که با او معارضه به مثل کنند و او را خوار کنند و تحقیر نمایند. در حدیث کافی وارد است که حضرت صادق، علیه السلام، فرموده: "هیچ بنده ای نیست مگر آنکه در سر او لجامی است و فرشته ای است که آن را نگاه می دارد. پس وقتی که تکبر کند، می گوید: پابین بیا، خدای تو را پابین بیاورد."

[چهل حدیث، نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۸، ص ۷۳]



علاج بیماری خطرناک!

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَوْلَ: "كَانَ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيٍّ (ع) أَنْ قَالَ يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِمَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْنِهِ أَمَّا الْاُولَى فَالْمَدَقُّ وَ لَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فِيكَ كَذِبَةً أَبَدًا وَ... وَ السَّادِسَةُ الْاِخْتِصَانُ فِي مِلَاتِي وَ مَوَاسِي وَ مَدَقَّتِي أَمَّا الصَّلَاةُ فَالْخَمْسُونَ رَكْعَةً وَ أَمَّا الصِّيَامُ فَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ الْخَمِيسِ فِي أَوَّلِهِ وَ الْارْبَعَاءِ فِي وَسْطِهِ وَ الْخَمِيسُ فِي آخِرِهِ وَ أَمَّا الصَّدَقَةُ فَجَهْدَكَ حَتَّى تَقُولَ قَدْ اسْرَفْتُ وَ لَمْ تَسْرِفْ [الشافعي، ص ۸۲۹]



ششمین وصیت از وصایای نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که: طبق سنت من در این سه چیز عمل کنید! احدی و خمسون، نمازهای نوافل و فرائض پنجاه و یک رکعت است در شبانه روز، به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) توصیه می کنند که حتما نوافل بخوانی! نوافل، حفاظهای فرائضند، آنچه برای انسان در فریضه لازم است که همان حضور قلب و توجه به خدای متعال و تقرب الی الله است، اگر کمبودی در آنها پیدا شد، نوافل آن را جبران می کنند. روزه هم در ماه سه روز

پنجشنبه اول، پنجشنبه آخر و چهارشنبه وسط است. صدقه را هم به هر اندازه می توانی، تا آنجایی که انسان به حسب میل و رغبتی که به اموال خود دارد، می گوید: زیادی دادم! در حالی که نه، زیادی نداده است. نمی فرماید: باید اسراف کنید! چون در صدقه، حتما زیاده روی، ممدوح و مطلوب نیست: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ.» این طور نیست که انسان هر چه دارد، در راه خدا باید بدهد و خودش را، خانواده اش را، دچار احتیاج بکند. این، مراد نیست، بلکه مراد این است که بالاخره بقدر وسع ات، بقدر جهد صدقه را بده، هرچه می توانی! یکی از مؤثرترین علاج های شخ قلبی انسان، دادن صدقه است. انسان به مال علاقه دارد، وقتی توانست بر این علاقه خود فائق بیاید، بخشی از این پول را در راه خدا بدهد، این مبارزه عملی است، با این حالت شخی که فرمود: «وَمَنْ يَوْقِ شَخَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» ترکیبی از حالت حرص و بخل، شخ است، همه ما کم و بیش ابتدا داریم! همین طور انسان دلش می خواهد بدست بیاورد، بدست بیاورد، بگیرد. این بیماری خطرناک را صدقه دادن، اتفاق در راه خدا علاج می کند.

[شرح حدیث از امام خامنه ای (مدظله العالی) در ابتدای درس خارج، ۹۱/۱۲/۱۵]

کار خدا و کار عبد!

کار خدا عطا و دادن است و کار عبد تحویل گرفتن و شکر کردن: الْإِنْسَانُ عَبِيدُ الْإِحْسَانِ؛ انسان بنده ای احسان است. وقتی انسان احسان خدا را دید عبد خدا می شود، عبد که شد از خدا رضا می شود و تشکر می کند.

[حاج اسماعیل دولابی، مصباح الهدی، ص ۸۳]